

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

بررسی سیاست خارجی استرالیا در آسیا

مقدمه

داشت. هماهنگی سیاسی استرالیا با انگلیس و هماهنگی امنیتی آن با آمریکا پس از ۱۹۷۰ اگرچه همچنان محور تصمیم‌های اساسی این کشور را تشکیل می‌دهد، اما پس از فروپاشی شوروی و تحولات شرق اروپا که منجر به پایان دوران جنگ سرد شد، دوران جدیدی را از ابتدای ۱۹۹۰ در سیاست خارجی استرالیا از نظر فعالیت‌های منطقه‌ای پدید آورده که مهم‌ترین شاخص آن را در «سیاست نگاه استرالیا» به آسیا می‌توان مشاهده کرد.

اهمیت آسیا برای استرالیا

حضور بیش از نیمی از جمعیت جهان در آسیا و نزدیکی جزیره‌ی پهنار و نسبتاً کم جمعیت استرالیا به کشورهایی چون چین، اندونزی، ژاپن و حتی هند و متقابلاً دوری آن از اروپا و آمریکا موقعیتی را به وجود آورده که استرالیا اصولاً نمی‌تواند این منظور مهم را

تاریخ دوپست ساله‌ی استرالیا بیانگر آن است که به خاطر موقعیت جغرافیایی خاص و دورافتاده، این کشور محل تحولات ویژه‌ی نبوده است. از ۱۷۸۸ که اولین گروه سفیدپوستان انگلیسی در سواحل سیدنی مستقر شدند تا ۱۹۰۱ که دولت کامنولث استرالیا تشکیل گردید، بخش‌های مختلف این سرزمین به صورت مستعمرات انگلیس اداره می‌شدند.

ادامه‌ی تبعیت و هماهنگی استرالیا با لندن طی دوره‌های مختلفی پس از ظهور آن به عنوان یک کشور نیز دیده می‌شود. تا پایان جنگ جهانی دوم، سربازان استرالیایی همراه ارتش انگلیس در دو جنگ جهانی و دیگر جنگ‌ها شرکت داشتند. پس از جنگ جهانی تا اوایل دهه‌ی ۷۰ که انگلیس از بخش‌هایی از آسیا خارج شد و جای خود را به آمریکا داد، پیروی سیاسی، امنیتی از دولت‌های لندن همچنان وجود

نادیده بگیرد.

محسوب می‌شوند. چنان‌که رشد اقتصادهای صنعتی شرق آسیا جریان داشته باشد، منافع بین‌المللی استرالیا در این منطقه به مراتب بیشتر هم خواهد شد.

علاوه بر نگرانی‌های اساسی امنیتی که از ناحیه‌ی همسایگان بزرگ آسیایی برای استرالیا متصور است، بازار بزرگ مصرف در این کشورها و سوسه‌کننده می‌باشد. به عبارت دیگر منافع اقتصادی استرالیا هم‌چون منافع امنیتی آن با منطقه‌ی آسیا - پاسیفیک عجین شده است. از نظر اقتصادی و امنیتی هیچ منطقه‌ی از جهان تا این اندازه منافع استرالیا را شامل نمی‌شود.

بیش از نیمی از کل صادرات استرالیا به کشورهای آسیایی صورت می‌گیرد که تنها ۵۷ درصد آن کالاها به مقصد شرق آسیا و ۲۰ درصد به ژاپن می‌باشد. برای درک اهمیت تجاری آسیا در اقتصاد استرالیا به جدول مقایسه‌ی زیر می‌توان توجه کرد. درحالی‌که بیشتر صادرات استرالیا به کشورهای آسیایی است، اکثر واردات آن از آمریکا و اروپا صورت می‌گیرد.

ژاپن و کره جنوبی علاوه بر آن که متحدین امنیتی استرالیا در حلقه‌ی راهبردی آمریکا هستند، بزرگترین شرکای تجاری آن نیز

جدول صادرات و واردات استرالیا در سال ۱۹۹۹ به میلیارد دلار استرالیا

صادرات	واردات	منطقه - کشور
۸۷	۱۰۱/۵	کل
۳۴/۳	۲۸/۳	شمال آسیا
۱۱/۲	۱۴/۲	جنوب شرق آسیا
۸/۴	۲۱/۱	امریکا
۱۰/۸	۲/۱	اتحادیه‌ی اروپایی
۲۳/۳	۱۵	بقیه
۱۶/۷	۱۳/۶	ژاپن
۶/۳	۳/۹	کره جنوبی
۴/۱	۶/۶	چین
۴	۳	تایوان
۳	۲/۶	سنگاپور
۲/۸	۱/۲	هنگ کنگ
۲	۳/۵	اندونزی

منبع: آمار وزارت خارجه و تجارت استرالیا بر روی اینترنت

وجوه اشتراک و افتراق استرالیا با آسیا

شاید این جمله گویاترین عبارت برای بیان پیچیدگی شرایط سیاسی استرالیا باشد. «استرالیا بین تاریخ اروپا و جغرافیای آسیا گرفتار و سرگردان است.»

استرالیایی‌ها عمدتاً انگلیسی‌های مهاجری هستند که طی دو قرن گذشته وارد این سرزمین و مالک آن شده‌اند. درحالی که کشورهای آسیایی عموماً به روابط مستقل از قدرت‌های بزرگ اهمیت می‌دهند، امنیت استرالیا پیوسته به انگلیس و امریکا وابسته بوده و این کشور به عنوان بخش جدا افتاده‌یی از آنها در آسیا - پاسیفیک رفتار کرده است. استرالیایی‌ها برخلاف اکثر کشورهای آسیایی هرگز برای کسب استقلال مبارزه نکرده‌اند.

نژاد و فرهنگ اروپایی آنها، در امور اجتماعی و سیاسی و حتی سبک زندگی با مردم آسیا جدایی می‌اندازد. از نظر مذهبی تفاوت زیادی بین اندونزی، مالزی و برونئی که اغلب سکنه‌ی آنها مسلمانند از یک سوی و تایلند، برمه و چین که بودایی یا اقلیتی مسلمان هستند و حتی فیلیپین که کاتولیک است، دیده می‌شود. به نظر آقای گارت ایونز وزیر خارجه‌ی سابق استرالیا، این تمایزات و ارزش‌های حاکم بر جوامع آنها موجب درک متفاوتی از سوی دو

طرف شده است. آقای الکساندر داونر وزیر خارجه‌ی کنونی استرالیا نیز معتقد است که فرهنگ، عامل اصلی جدایی بین استرالیا و همسایگان آسیایی می‌باشد.^۱ وی می‌گوید با وجود آن که مشارکت با شرق آسیا قلب سیاست خارجی استرالیا را تشکیل می‌دهد، ولی نباید تفاوت‌های تاریخی، قومی و فرهنگی را از نظر دور داشت.^۲

در همین حال دکتر ماهاتیر محمد نخست وزیر مالزی به عنوان منتقد اصلی سیاست‌های استرالیا در منطقه پیوسته به تمایز ارزش‌های آسیایی اشاره کرده، استرالیا را به خاطر زورگویی و تلاش سیاسی، فرهنگی برای ایفای نقش برآدر بزرگ کشورهای منطقه مورد سرزنش قرار می‌دهد.

محورهای سیاست خارجی استرالیا نسبت به آسیا

دو عنصر اصلی سیاست خارجی استرالیا یعنی امنیت و تجارت در رابطه با کشورهای همسایه و آسیا، ویژگی خاص خود را دارد. استرالیا، در حالی که برای تجارت و کسب سهم بیشتری از بازار جهت صدور محصولات

۱. روزنامه‌ی استرالین ۲۶ آوریل ۲۰۰۰.

۲. مجله‌ی میدل ایست تایمز چاپ سیدنی شماره‌ی ۱۳۷ ژوئن ۲۰۰۰.

کشاورزی، دامی و معدنی خود، تمامی مناطق جهان را هدف قرار داده اما به منظور حصول امنیت تجاری و یا توسعه‌ی سیاست‌های تجارت آزاد در منطقه‌ی آسیا-پاسفیک توجه و تلاش بیشتری دارد. ضمن آن که ترکیب جمعیتی آسیا و نیز رونق اقتصادی شرق و جنوب شرق آسیا در دهه‌های اخیر به ویژه از نظر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشترین توجه استرالیا را جلب کرده است. عضویت در APEC که استرالیا از بنیان‌گذاران آن است، با همین هدف گرفت.

از نظر امنیتی عضویت استرالیا در پیمان نظامی و راهبردی ANZUS با آمریکا و نیوزلند، پیمان ۵ قدرت دفاعی به اتفاق مالزی، سنگاپور، نیوزلند و انگلیس، مجمع امنیتی آسه‌آن، پاسفیک ARF با حضور ۲۲ کشور و هماهنگی با دیگر متحدان آمریکا مثل ژاپن و کره جنوبی پایه‌ریزی گردیده و تداوم دارد.

لایه‌های امنیتی

اصولاً نگاه امنیتی استرالیا به آسیا را می‌توان به صورت لایه‌های دارای اهمیت متفاوت ترسیم کرد. اولین لایه‌ی امنیتی برای استرالیا، کشور بزرگ اندونزی است که با جمعیتی بیش از ۲۰۰ میلیون نفر (اکثرأ مسلمان)

نزدیک‌ترین همسایه‌ی آسیایی به حساب می‌آید. در راهبرد دفاعی استرالیا پیوسته اندونزی به عنوان منبع اصلی خطر، فرض می‌شود.

در حاشیه‌ی لایه‌ی امنیتی اندونزی، کشورهای مالزی، سنگاپور و برونئی هستند که با وجود اختلاف‌های سیاسی استرالیا با مالزی حایز خطر بالقوه‌ی نیستند. ضمن آن که بهترین رابطه‌ی سیاسی، اقتصادی و دفاعی استرالیا هم اکنون با سنگاپور برقرار است. در همین حاشیه کشورهای تایلند و فیلیپین به عنوان دموکراسی‌های مورد تأیید غرب، روابط خوبی با کانبرا دارند.

لایه‌ی امنیتی بعدی را باید منطقه‌ی هندو چین دانست. چین به خاطر قدرت اتمی و توان اقتصادی بالا هم‌چنان مورد توجه سیاست خارجی استرالیا است. در گذشته ایدئولوژی مارکسیستی و تلاش پکن برای افزایش نفوذ، منجر به آن شد که استرالیا به عنوان خط دفاع جهان غرب، پایگاه اطلاعات جاسوسی و مرکز رادارهای دفاع هسته‌یی علیه چین و جهان کمونیسم باشد. این خطر امروزه به شکل دیگری مد نظر قرار می‌گیرد.

در حاشیه‌ی لایه‌ی امنیتی چین، کشورهای چون کامبوج، ویتنام، لائوس و برمه قرار دارند که برخلاف گذشته اکنون مورد توجه

(۱۹۹۶-۱۹۹۱) از حزب کارگر که به خاطر طرح ایده‌های بزرگی هم چون «جمهوری استرالیا» و «نگاه به آسیا» سیاستمدارای انقلابی توصیف می‌شود، در شرایط پایان جنگ سرد و بحث نظم نوین جهانی با اعتقاد به این که فرصت تاریخی برای ارایه‌ی چهره‌ی مستقل و سیاستی پویا از سوی کشورش حاصل شده، تحرکات دوجانبه و چند جانبه‌ی را با عنوان سیاست «نگاه به آسیا» آغاز کرد.

در بعد دوجانبه بیشترین پیشرفت با اندونزی صورت گرفت. رفت و آمدهای زیادی به ویژه توسط شخص کیتینگ به جا کارتا انجام شد و در نهایت «موافقتنامه‌ی همکاری دفاعی، امنیتی دو کشور» در سال ۱۹۹۵ به امضا رسید. به موجب آن تبادل کادرهای نظامی برای دوره‌های آموزشی و انجام مانورهای مشترک، برنامه‌ریزی و اجرا شد. کاهش کمک‌های نظامی امریکا به اندونزی هم که در پی سرکوب‌های داخلی توسط سوهارتو صورت گرفت، موجب تقویت همکاری نظامی با استرالیا گردید.

افزایش دیدارهای سیاسی و کمک‌های مالی به دیگر کشورهای منطقه از جمله کامبوج، ویتنام و برمه در همین راستا تدارک و مورد اجرا قرار گرفت. با این همه حملات لفظی شدید بین مالزی و استرالیا ادامه داشت.

و کمک مالی استرالیا برای گذار از نظام‌های بسته‌ی سابق به روش‌های سیاسی، اقتصادی باز هستند.

لایه‌ی امنیتی شبه قاره‌ی هند که خطر اصلی آن توسعه‌ی زرادخانه‌ی اتمی هند و پاکستان است، در مرحله‌ی بعدی قرار می‌گیرد. استرالیا با پیروی از سیاست‌های ضد تسلیحات و آزمایش‌های اتمی در منطقه با اقدام‌های اتمی این دو کشور بزرگ جنوب آسیا مخالفت دارد.

آخرین لایه‌ی امنیتی را می‌توان به خاورمیانه اختصاص داد که شامل خلیج فارس نیز می‌شود. از نظر استرالیا اصولاً امنیت این منطقه برای حفظ امنیت تجاری و در نهایت امنیت متحدان آن کشور در نظر گرفته می‌شود. امریکا، اروپا، ژاپن و کره جنوبی متحدان راهبردی استرالیا به نفت خلیج فارس نیازمندند. از این نظر استرالیا در نیروهای متحد غرب علیه عراق به رهبری امریکا نیرو اعزام می‌دارد. به همین ترتیب حمایت استرالیا از اسرائیل در مجامع جهانی و تشویق فرآیند صلح خاورمیانه و در راستای هماهنگی راهبردی با غرب به ویژه امریکا، صورت می‌گیرد.

دکترین کیتینگ

آقای پل کیتینگ نخست وزیر استرالیا

در همین برهه، استرالیا تشکیل «سازمان همکاری اقتصادی آسیا- پاسیفیک»^۱ را به عنوان یک بخش کلیدی سیاست تجاری منطقه‌یی مورد هدف و پیگیری قرار داد. این سازمان اکنون ۲۱ عضو دارد. اهداف اصلی این سازمان آزاد سازی‌های تجاری، سرمایه‌گذاری، فراهم کردن تسهیلات بازرگانی، همکاری فنی اقتصادی و مشاوره در طیف وسیعی از اموراتصادی- اجتماعی و محیط زیستی می‌باشد. اعضای این سازمان که از شمال و جنوب امریکا تا جنوب شرق آسیا و اقیانوسیه را شامل می‌شوند، بیش از نیمی از صادرات جهان و نیمی از تولید ناخالص ملی دنیا را در اختیار خود دارند.

اگرچه فعالیت این سازمان اقتصادی به خاطر بحران مالی جنوب شرق آسیا، چندان جدی گرفته نشد، اما همچنان بر دست‌یابی به اهداف خود مبنی بر تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد در کشورهای توسعه یافته‌ی عضو تا سال ۲۰۱۰ و در اعضای در حال توسعه تا سال ۲۰۲۰ تأکید دارد.

دست‌آورد دیگر تلاش‌های آسیایی پل کیتینگ را باید تأسیس مجمع منطقه‌یی آسه‌آن^۲ با عضویت ۲۲ کشور (استرالیا، برونئی، کانادا، چین، نماینده‌ی اتحادیه‌ی اروپایی، اندونزی،

ژاپن، لائوس، مالزی، نیوزلند، گینه‌نو، کره جنوبی، روسیه، سنگاپور، تایلند، امریکا، ویتنام، کامبوج و مغولستان) از آسیا و پاسیفیک به منظور تأمین امنیت منطقه‌یی دانست. اولین اجلاس این مجمع امنیتی در سال ۱۹۹۴ به هدف کمک به حفظ صلح و امنیت در منطقه، مسایل سیاسی و امنیتی نگران‌کننده و راه‌های توسعه‌ی همکاری برای اجتناب از درگیری تشکیل شد. این ساختار امنیتی در واقع با تلاش استرالیا و الگوبرداری از کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا سازماندهی شد. استرالیا هم‌چنین تلاش داشت در اجلاس رهبران آسیا-اروپا^۳ عضویت یابد که این امر با مخالفت‌های بی‌در پی مالزی محقق نشد.

دوران هوارد

با سقوط دولت کارگری کیتینگ و پیروزی ائتلاف ملی (لیبرال- ناسیونال)، آقای جسان هوارد در مارس ۱۹۹۶ رهبری دولت استرالیا را به دست گرفت. وی برخلاف سلف خود سیاستمداری سستی و متمایل به حفظ ارزش‌های غربی جامعه‌ی استرالیا در پیوند با کشور اجدادیشان انگلیس می‌باشد. به همین

1. APEC.
2. ARF.
3. ASEM.

با سنگاپور و تایلند به بالاترین سطح خود رسید. تنش‌زدایی با چین در سطوح مختلف پیگیری شد. توافق برانجام گفت‌وگوهای دوجانبه‌ی حقوق بشری و عدم مشارکت استرالیا در قطعنامه‌های ضد چین در کمیسیون حقوق بشر، طرح گفت‌وگوهای امنیتی از کانال ARF و پیگیری سیاست‌های تجارت آزاد به طور دوجانبه و یا از طریق APEC موجب گردید، با وجود بحران تنگه‌ی تایوان، روابط کانبرا- پکن در سه سال گذشته بیشترین آرامش را داشته باشد. رییس جمهوری چین برای اولین بار از استرالیا دیدن کرد و استرالیا ضمن حفظ روابط ویژه‌ی تجاری با تایوان بر موضع خود درخصوص شناسایی «چین واحد» تأکید می‌نماید.

مسأله‌ی تیمور شرقی

در دوره‌ی هوارد تحول بزرگی که موجب دگرگونی در روند سیاست «نگاه به آسیا» پیش آمد، مسأله‌ی تیمور شرقی بود. استرالیا که در ۲۵ سال گذشته به خاطر نگرانی امنیتی از سقوط این جزیره به دست کمونیست‌ها به طور رسمی و غیررسمی از الحاق آن به اندونزی حمایت کرده بود، در پی تحولات جدید

خاطرات نحوه‌ی هدایت و اداره‌ی ایده‌ی «جمهوری استرالیا» توسط او به شکست آن انجامید.

در همین دوره رشد افکار نژادپرستی در میان جوامع سفیدپوست انگلیسی تبار استرالیا موجب ظهور و رونق حزب راست‌گرای «یک ملت» توسط خانم پاولین هنسن شد. یکی از اعتقادات اصلی این حزب مخالفت با مهاجرپذیری آسیایی است.

اگرچه در سیاست‌های انتخاباتی ائتلاف ملی و هم‌چنین در راهبرد سیاسی استرالیا به روشنی بر «اولویت بسیار بالای سیاست خارجی این کشور در مشارکت نزدیک با آسیا» تأکید شد و چین، ژاپن و اندونزی به عنوان سه کشور از چهار رابطه‌ی مهم بین‌المللی استرالیا تعریف گردید و این منطقه مهم‌ترین ناحیه‌ی امنیتی، اقتصادی استرالیا خوانده شد، اما تعدیلی در سیاست «نگاه به آسیای کیتینگ» از سوی دولت جدید پیش‌بینی می‌شد.

دولت ائتلاف ملی در آغاز کار با بحران مالی شرق آسیا مواجه شد. به همین منظور سه میلیارد دلار کمک به اقتصاد اندونزی، کره جنوبی و تایلند از کانال صندوق بین‌المللی پول^۱ متعهد شد. سیاست افزایش مشارکت و کمک به ویتنام و کامبوج به آرامی ادامه یافت. مناسبات

1. IMF.

دارند. در این رابطه به سفرهای متعدد نخست‌وزیر، وزیر خارجه و دیگر مقام‌های استرالیایی به کشورهای منطقه و پیشرفت‌های حاصله در زمینه‌ی برقراری رابطه با کره شمالی و گسترش همکاری با دیگر کشورهای منطقه را یادآور می‌شوند. در واقع باید گفت تحولات اخیر در سیاست آسیایی استرالیا بیشترین تأثیر منفی را بر رابطه‌ی با جاکارتا گذاشته و دامنه‌ی انتقادات کوالامپور را توسعه داده است. اما در دیگر موارد، تحول محسوسی دیده نمی‌شود.

هم‌چنین کاهش سطح روابط با هند و پاکستان به خاطر انجام آزمایش‌های اتمی دو سال پیش را باید از طرفی با درجه‌ی اهمیت لایه‌ی امنیتی آن شبه قاره برای استرالیا و از طرف دیگر تلاشی که این روزها جهت عادی‌سازی رابطه با دهلی‌نو صورت می‌گیرد و دیدار آقای هوارد، ارزیابی کرد.

ارزیابی آینده‌ی روابط استرالیا با آسیا

بی‌شک شرایط کنونی که در پی تحولات تی مور شرقی و آشوب‌های داخلی اندونزی به ویژه در آچه و اریان جایا (پاپوای غربی) پیش آمده، سیاست آسیایی استرالیا را دست کم در جنوب شرق آسیا دچار مشکل ساخته است. با در نظر گرفتن این که اصولاً تلقی

اندونزی تصمیم به تغییر موضع گرفته، از استقلال این سرزمین حمایت نمود.

موضع جدید استرالیا و حضور فعال نظامی آن در تحولات پس از رأی استقلال (اوت ۹۹) تیمور شرقی، علاوه بر برانگیختن حساسیت بعضی کشورهای منطقه، موجب خشم اندونزی و تیرگی روابط جاکارتا-کانبرا شد. دولت اندونزی پیمان نظامی ۱۹۹۵ را ملغی کرده و روابط خود با استرالیا را محدود ساخت. هر چند استرالیا در تصمیم خود نسبت به آینده‌ی تیمور شرقی، اهداف امنیتی (ایجاد یک حایل و مانع دفاعی باهمسایه‌ی بزرگ) و اقتصادی (منابع نفت در دریای تیمور) را مد نظر داشت، اما خساراتی به روند سیاست آسیایی این کشور وارد شد.

جنگال مطبوعاتی در مورد اظهارات آقای هوارد با عنوان طرح دکترین «معاون کلانتر» به خاطر این که وی خواهان ایفای نقش دفاعی وسیع‌تری در امنیت منطقه به نیابت از امریکا شده بود، بازتاب منفی گسترده‌یی یافت.

اگرچه بعضی معتقدند اقدام نظامی استرالیا در تیمور شرقی و اظهارات جان هوارد بیانگر تغییر سیاست سابق استرالیا نسبت به آسیا می‌باشد، اما مسؤولین استرالیایی هم‌چنان بر تمایل خود به همکاری و مشارکت با آسیا تأکید

حساب می‌آید. استرالیا به نفت خلیج فارس وابستگی ندارد. ۷۰٪ نیاز خود را از منابع داخلی و حدود ۱۰٪ از اندونزی و بقیه را از طریق بازارهای جهانی نفت تأمین می‌کند.

توجه اصلی استرالیا به منطقه‌ی خلیج فارس را می‌توان در دو نکته دید. دسترسی به بازار بزرگ آن منطقه جهت فروش محصولات انبوه کشاورزی و دامی (گندم و گوشت) و دیگر کمک به امنیت متحدین بزرگ خود.

استرالیا علاوه بر حضور در بازار ایران می‌تواند به آسیای میانه و قفقاز دسترسی یابد. هم‌چنین توانایی ایران برای تأمین امنیت در منطقه‌ی خاورمیانه از دیدگاه کشورهای غربی مورد توجه استرالیا نیز می‌تواند باشد. به همین لحاظ نباید پیروی استرالیا از سیاست‌های کلان غرب در خصوص ایران به ویژه در بعد امنیتی را از نظر دور داشت. هر چند در زمینه‌ی تجارت، وضع دیگری است. با این همه تجربه‌ی بیست ساله‌ی گذشته حاکی از آن است که در امور تجاری و اقتصادی نیز استرالیا هرگز از اروپا جلوتر نرفته است.

این که استرالیا با اقتصاد نسبتاً قوی و توان بالای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند علاوه بر زمینه‌های علمی، فنی و فن‌آوری به خصوص صنایع کشاورزی، شیلات،

استرالیا از «نگاه به آسیا» تنش‌زدایی و ایجاد رابطه‌ی حسنه و همه‌جانبه با همسایگان نزدیک خود و اولویت به جنوب شرق آسیاست، این رکود در منطقه ادامه خواهد یافت. لذا استرالیا مجبور است به مناطق و لایه‌های بعدی در شمال شرق و جنوب آسیا توجه نماید. این امکان با درس‌های بحران اقتصادی جنوب شرق آسیا مبنی بر لزوم متنوع ساختن مناطق سرمایه‌گذاری برای استرالیا نیز هماهنگی دارد. ضمن آن که نیاز دولت جدید اندونزی به منابع مالی و اقتصادی جهت بهبود شرایط داخلی نیز می‌تواند به عنوان عامل امیدوارکننده‌ی برای کانبرا متصور باشد.

استرالیا به خاطر جمعیت زیاد آسیا و اهمیت امنیتی و تجاری آن، اصولاً نمی‌تواند آن را نادیده گرفته و یا به آن کم توجهی نماید. هرچند تعدیل جاه‌طلبی کیتینگ و تمایلات سنتی هوارد می‌تواند در دولت آینده، شکل متناسب و باثبات‌تری به خود بگیرد.

جایگاه ایران در سیاست آسیایی استرالیا

بعد مسافت بین ایران و استرالیا و نگرش متفاوت سیاسی از باب تمایلات غرب‌گریزی ایران و جایگاه استرالیا در وابستگی به خانواده‌ی غرب، وجه افتراقی اساسی به

دام، معدن و آموزش عالی، مورد مشارکت و همکاری ایران جهت حصول اهداف اقتصادی قرار گیرد، واقعیتی است که باید با ملاحظه‌ی نقش و وزن استرالیا در سازمان‌های جهانی مورد

توجه و برنامه‌ریزی واقع شود.

خسرو حاجیان

سفارت جمهوری اسلامی ایران - کانبرا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی